

#فرشتگان شجره طیبه

روایت همدردی کاربران با خانواده‌های «فرشتگان شجره طیبه»

جامعه پدیا

هیچ کس فکر نمی‌کند یک خانواده مجبور شود برای فرزندش ۲ بار مراسم وداع برگزار کند اما روز چهارشنبه این اتفاق دوباره در میناب تکرار شد؛ خانواده‌هایی که پیش‌تر عزیزانشان را بدرقه کرده بودند، این بار برای بقایای شناسایی شده فرزندانشان دوباره لباس سیاه پوشیدند و بار دیگر تابوت‌های روی دست مردم شهر چرخید. خیابان‌ها همان خیابان بود اما اشک‌ها تازه‌تر از همیشه، در این مراسم فقط مردم میناب حضور نداشتند. هم‌زمان با آغاز آیین تشییع، شبکه‌های اجتماعی نیز پر شد از پیام‌هایی که زیر #فرشتگان_شجره_طیبه منتشر می‌شد؛ هشتگی که در چند ساعت به محلی برای همدردی، یادآوری و روایت داغی تبدیل شد که برای بسیاری از خانواده‌ها هنوز پایان نیافته است.

فضای مجازی به رنگ عزا

هم‌زمان با برگزاری مراسم، فضای مجازی نیز رنگ عزا گرفت. #فرشتگان_شجره_طیبه در میان کاربران شبکه اجتماعی دست به‌دست و صدها پیام همدردی برای خانواده‌های داغدار منتشر شد. برخلاف بسیاری از هشتگ‌های سیاسی این بار محور اصلی نوشته‌ها نه تحلیل که اندوه بوده؛ اندوهی که کاربران تلاش کردند با چند جمله کوتاه آن را با خانواده‌ها تقسیم کنند. یکی از کاربران نوشت: «شانه‌ای است از اینکه یاد فرشتگان شجره طیبه در دل مردم خاموش نخواهد شد.» کاربر دیگری از سکوت مدرسه‌ای نوشت که روزگاری صدای بازی کودکان در آن می‌پیچید: «مدرسه شجره طیبه امروز ساکت است... اما در هر گوشه آن خاطرات کودکان و صدای زندگی آنان باقی مانده است.» در میان ده‌ها پیام جمله‌ای بیش از همه تکرار می‌شد: «کودک‌انی که لیخن‌دشان کوتاه بود اما خاطره‌شان ماندگار شد.» یکی از کاربران نوشت: «بعضی مادرها امروز برای دومین بار فرزندشان را بدرقه کردند، مگر دل یک مادر چندیار می‌شکند؟»

همه دل‌ها در میناب بود

چهارشنبه همه دل‌ها در میناب بود، چه آنهایی که در پایتخت بودند و چه آنها که آن سوی مرزها نشسته و برای بچه‌های میناب اشک می‌ریختند. کاربری با انتقال این حس و حال نوشته بود: «امروز میناب فقط یک شهر عزادار نبود، امروز همه ما دوباره داغدار شدیم.»

نامی که زنده می‌ماند

اصل و شرح

شاید همین جمله، خلاصه تمام آن چیزی باشد که در میناب گذشت؛ شهری که یک‌بار دیگر خاطره تلخ آن روز را مرور کرد، در میناب فقط چند تابوت روی

دست مردم نچرخید، خاطره یک کلاس درس دوباره تشییع شد. کلاس کوچکی که نیمکت‌هایش دیگر شاگردی را انتظار نمی‌کشند اما نام فرشتگان هنوز در حافظه مردم زنده است؛ درست همانطور که کاربران فضای مجازی نوشته‌اند: بعضی نام‌ها هرگز کهنه نمی‌شوند.

نگران بازار سیاه بلیت نباشید

دبیر ستاد مرکزی اربعین در گفت‌وگو با همشهری از آخرین تمهیدات اندیشیده شده برای مراسم اربعین امسال خبر داد

جامعه امروز

فاطمه عسکری نیا | روزنامه‌نگار ثبت‌نام اربعین امسال هنوز به نیمه راه نرسیده، اما شمار متقاضیان از مرز یک میلیون نفر گذشته است؛ آماری که نشان می‌دهد بزرگ‌ترین سفر زیارتی جهان امسال هم با استقبال گسترده‌تری برگزار خواهد شد. در میان ثبت‌نام‌کنندگان، حضور پررنگ‌تر نوجوانان، جوانان و خانواده‌ها، ترکیب زائران را نسبت به سال‌های گذشته متفاوت کرده و همین موضوع،

توسعه زیرساخت‌های سفر اربعین

از ماه‌ها قبل برنامه‌ریزی گسترده‌ای در ستاد مرکزی اربعین انجام شده و خوشبختانه بخش عمده اهداف پیش‌بینی شده محقق شده است، طی روزهای گذشته از مرزهای غربی کشور بازدید داشتیم و خوشبختانه توسعه زیرساخت‌ها، سایبان‌ها، مسیرهای تردد، پایانه‌های مرزی و خدمات مورد نیاز زائران در وضعیت مطلوبی قرار دارد. همه دستگاه‌های مسئول نیز آمادگی کامل دارند تا امسال شرایطی فراهم شود که زائران سفری ایمن، آسان و آرازان را تجربه کنند.

ثبت‌نام بیش از یک میلیون نفر

بخشی از نگرانی‌های مردم درباره سامانه‌های ثبت‌نام و فروش بلیت، به زمان‌بندی این سامانه‌ها برمی‌گردد. در بخش فروش بلیت هواپیما، قطار و اتوبوس کار در بازه‌های مشخص و براساس نرخ‌های مصوب انجام می‌شود. درباره سامانه سماح نیز تاکنون ثبت‌نام‌ها به صورت عادی ادامه داشته و گزاری از اختلال جدی دریافت نکرده‌ایم. تاکنون بیش از یک میلیون نفر در این سامانه ثبت‌نام کرده‌اند. البته اگر گزارشی از مشکل فنی دریافت شود، حتماً آن را پیگیری خواهیم کرد.

زمان فروش بلیت هواپیما مشخص شد

زمان و نرخ مصوب فروش بلیت هواپیما اعلام شده و فروش بلیت برای بازه ۳۱ تیر تا ۲۲ مرداد انجام می‌شود. امسال این بازه نسبت به سال‌های گذشته طولانی‌تر در نظر گرفته شده تا زائران فرصت بیشتری برای تهیه بلیت داشته باشند.

بازار سیاه نخواهیم داشت

تلاش ما این است که چنین اتفاقی رخ ندهد. همه دستگاه‌های مرتبط موظف شده‌اند بر روند عرضه و فروش بلیت نظارت کامل داشته باشند تا زائران بتوانند بلیت را با نرخ‌های مصوب تهیه کنند. امیدواریم با این نظارت‌ها، شاهد شکل‌گیری بازار سیاه نباشیم.

توصیه‌ها را جدی بگیرید

اربعین بزرگ‌ترین اجتماع زیارتی جهان است و همه دستگاه‌ها تلاش می‌کنند این رویداد باشکوه با بهترین کیفیت برگزار شود. امیدواریم زائران با رعایت توصیه‌ها و ثبت‌نام در سامانه سماح، سفری امن و آرام را تجربه کنند و همه خادمان اربعین نیز بتوانند خدمت شایسته‌ای به عاشقان حضرت ابعبدالله‌الحسین(ع) ارائه دهند.

۶۸ یاره تن

از ۳۴ شهید



هفته‌شماره

گزارش

صفحه ۱۰ احمد یزدانی

جنوب تنها نماند

چند روایت از داوطلبان جانفدا که این روزها خود را به شهرهای نوار ساحلی جنوب ایران رسانده‌اند

نگاه

حلقه حلقه تا زنجیره ایرانی



آفتاب ظهر کمی شکسته و عصر شده است. حالا جمعیت بیشتری از جانفدایان دوش‌به‌دوش هم‌روی خط دریا و ساحل بندرعباس ردیف شده‌اند. منته‌اشرفی از اهالی بندر، شت‌مشت اسپند به آتش منقل می‌ریزد و دور سیر جانفدایان می‌چرخند. جمال بیری نیز بومی بندر است و از قدیمی‌ترین فلافل‌فروشان که میان جمعیت جانفدایان به احوال‌پرسی و سپاسگزاری مشغول است. حامد، پسر بزرگش از نیروهای امداد دریایی است که آنجا آماده‌باش ایستاده؛ «شاید با یکی، دو روز اومدن این هومونا از مشکلات ما و استرس‌های شوبنه جنگمون کم نشه، ولی دلمون به کم گرم می‌شه که تنها نیستیم».

دوشادوشی جمعیت جانفدایان به زنجیره انسانی شباهت یافته که به خبر منابع محلی قرار است طول آن در بندرعباس ۵۰ کیلومتر و در شهرهای ساحلی هر مرگان به ۱۰۰ کیلومتر برسد. نادر از شیراز آمده و روی تیشتر تنش شکل خلیج‌فارس نقش بسته است؛ «از سر بیگاری نیومدم، شغل دولتی هم ندارم. اتفاقا توی راه تا اینجا برسم خیلی هم دردرس کشیدم... اما فدای سر وطن و هموطن». آشیز رستورانی در شیراز با حداقل حقوق و بدون بیمه است؛ «کاش مردم شپه‌رای دیگه هم توبی بنیان جنوب. کاش همه هم اینطوری جانفدایی کنن.» سارا و سپیده مرادی از مشهد به جنوب آمده‌اند. فعال اجتماعی و تسهیلگر حوزه کودک هستند. سارا که شب گذشته از شدت صدای انفجار موشک‌ها هیچ نخوابیده، چند خردسال جنوبی را دورش جمع کرده و روی صورتشان نقاشی می‌کشد؛ پری دریایی و ماهی گلی. سپیده نیز با تعدادی دیگر از بچه‌های قدونیم‌قد جنوب رو به خلیج‌فارس «ای ایران» می‌خواند. آفتاب رو به غروب می‌رود و دوباره صدای جنگ از صدای موج و شالوها بیشتر می‌شود.

گزارش

سحر جعفریان عصر | روزنامه‌نگار

روز آغاز شده و گرما شرّجی‌تر و رطوبت هم‌ت‌دار تر تا بیش از ۸۰ درصد است. حالا صدای موج و شالوها (مرغان دریایی) بلندتر از صدای موشک و انفجارهای شبانه به گوش می‌رسد. بندر نشینان نیز با اینکه جنگ، رونق کارشان

را کم کرده، یکی‌یکی پی لنج و قایق و باقی مشاغل دریایی به ساحل و اسکله‌ها می‌آیند، بی‌خبر از اینکه پای سربازان ارتش بیش از ۳۱ میلیون نفری جانفدایان به جنوب باز شده و دیگر با جنگ، موشک و پهپادهای جبهه دشمن، تنها نیستند. نخستین گروه جانفدایان هفته گذشته راهی شهرهای نوار ساحلی جنوب

کشور شدند و گروه‌های دیگر نیز به صورت شخصی و دولتی از میان شهروندان عادی، چهره‌های معروف و مسئولان در راهند تا روابیتی متفاوت از وطن و هموطن در سایه خطرات جنگ ثبت کنند. گزارش زیر مروری بر چند روایت از حضور جانفدایان در سواحل بندرعباس است.

جانفدایی تا بد

مرد وزن و پیر و جوان و حتی کودک هم میان گروه جانفدایان که حالا در اسکله پراکنده‌اند، دیده می‌شود. بسیاری‌شان تمایلی به بردن نام و برداشتن عکس ندارند؛ به‌ویژه آنها که نظامی‌اند و اسلحه به‌دست. با این حال تعداد خبرنگار و عکاس میانشان کم نیست. حتی فعالان شبکه‌های اجتماعی و بلاگران نیز آمده‌اند. حیدر یکی از جانفدایی است که به‌صورت غیردولتی و شخصی دست زن و بچه خود را گرفته و از تبریز آمده؛ از ختکای سهند و سیلان به گرمای مرطوب ساحل خلیج‌فارس. او این روزها در خارگ است؛ «بنگاه مسکن دارم. همون اول جنگ ۴۰ روز برای جانفدایی ثبت‌نام کردم... با خانواده اومدم تا جنوب تنها نباشه... همسرش برچمداری می‌کند و دختر کوچکش نیز چشم از دریا بر نمی‌دارد؛ «نه که بخوایم به هفته بومینم و بریم؛ نه قصد کردم بعد از این هرماه خودم تنها بپام و برم».



مهمان نوازان جانفدایان

«جانفدایی نباید به اسم باشه، باید به رسم باشه»؛ این را جوان ۲۰ ساله‌ای می‌گوید که جایی دورتر از دیگر جانفدایان بر چرکی ۲ متری ایستاده و بند سلاح را روی کتف و پشت گردنش تنظیم می‌کند. داوطلبانه و از زیر مجموعه سازمانی دولتی آمده؛ «جانفدایی تو دسته‌های مختلف انجام می‌شه که من با توجه به مهارت تیراندازی و سابقه نظامی‌ام، برای این دسته انتخاب شدم...» بعد از مکثی کوتاه می‌گوید: «البته هدف جانفدایی تو هر دسته و به هر شکل، چون برای ایران، قشنگه»؛ از برادرش نیز یاد می‌کند که در آن لحظه در ساحل جزیره خارگ پاسداری می‌کرد. پایین پرچم، به طرف شرق اسکله حقانی، امید و مجید سمت خلیج، سینه سپر کرده‌اند. بازیگر و کم‌دین هستند که رد و نشانشان در فضای مجازی پیداست. امید از انگیزه جانفدایی‌اش می‌گوید: «فقط فقط به عشق ایران، از وعده و وعید مسئولاً خسته‌ام، اما اون نمونه برای بعد. حالا فقط ایران مهمه». مجید نیز از آنچه در روزهای جانفدایی در جنوب دیده می‌گوید: «از گرمای هوا که بگذریم، بی‌برقی هنوز هست. کمتر شده ولی هنوز به ساعتی از روز برق قطع می‌شه. به لطف خونگرمی و مهمون‌نوازی مردم جنوب هم تا الان مشکل اسکان نداشتیم. البته می‌دونم که فرمانداری، استانداری و شهرداری‌های این مناطق پذیرای خیلی از جانفداها بودن، ولی کاش حواس شون به سفره مردمشون هم باشه که این روزا به خاطر دریانرفتن کوچک شده».

یک ایران با این غم بی‌پایان گریست. آن لحظه که مادری توان جدایی از تکه کوچک بدن فرزندش را نداشت یا پدری که تابوت کوچکی را در آغوش گرفته بود، قلب‌های بسیاری فشرده شدند. داغ این غم زمانی

عمیق‌تر می‌شود که بدانیم، ۴ پیکر که به‌صورت نیمه‌سوز در جایگاه اختصاصی خود دفن شدند و سایر اعضا نیز به‌صورت تجمیعی در مزار شهدای شجره طیبه آرام گرفتند.